

# پلیس و آموزش حقوق شهروندی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۳/۱۴

ناصر علیدوستی\*

## چکیده

پلیس به عنوان مهمترین نیرویی که حفظ امنیت داخلی را بر عهده دارد، در راستای تأمین حقوق شهروندان، ناگزیر از انجام کارهایی است که به درست یا نادرست، تعرض به آزادی یا امنیت یا دیگر حقوق شهروندی نامیده می‌شود. برای یافتن راهکاری برای برون‌رفت از این چالش و تعارض درونی و وظائف پلیس، بررسی‌های ژرف و آموزش هدفمند حقوق شهروندی بایسته و شایسته است. با این نگاه، کارآمدی پلیس در گرو آموزش حقوق شهروندی به اجزاء این نیرو و عموم شهروندان است. ارائه آموزش‌های لازم برای روشن‌شدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشت‌های نادرست را از میان بر می‌دارد. آموزش حقوق مورد احترام شهروندان به پلیس نیز موجب می‌شود اجزاء این نیروی امنیتی، از تعرض به حقوق شهروندان، هرچند متهمین و مجرمین بپرهیزند تا از این رهگذر، کارآمدی پلیس در تأمین حقوق شهروندی حاصل شود. **کلیدواژه‌ها:** حقوق شهروندی، آموزش، حقوق بشر، پلیس، امنیت، حقوق متهم، کارآمدی.

---

\* دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور و مدیر گروه حقوق و امنیت ملی در پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Dr. Alidoosti @ yahoo.com

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۴

## مقدمه

کار آمدی هر نهاد، در برداشت عمومی، عبارت است از رسیدن به اهداف مورد نظر آن نهاد، در کوتاه‌ترین مدت و با کمترین هزینه.

پلیس و نیروی انتظامی، به عنوان نیروی امنیتی که وظیفه برقراری نظم و امنیت اجتماعی را به عهده دارد، از یک سو وظیفه تضمین بخشی مهمی از حقوق شهروندی، مانند حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان را متقبل می‌شود و از سوی دیگر، به هنگام انجام وظائف خود، بنا به ارتباط مستقیم با شهروندان، ممکن است اقداماتی صورت دهد که به حق یا ناحق، به عنوان تضییع حقوق شهروندی تلقی گردد.

امروزه، توجه به حقوق شهروندی، و پاسداری از آن به یکی از گفتمان‌های پرطرفدار در عرصه حقوق داخلی و حتی حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. در ضرورت صیانت از حقوق شهروندی تردیدی نیست؛ اما تعیین گستره این حقوق، محدودیت‌های ناشی از مصالح اجتماعی، سیاسی و امنیتی، موجب بروز چالش‌هایی برای نهادهای مرتبط از جمله پلیس می‌شود.

یافتن مرز حقوق شهروندی تضمین‌شده، کمک شایانی به حل چالش رویاروی پلیس خواهد نمود. توضیح اینکه، اگر مشخص شود چه زمانی حقوق شهروندی محترمند و چگونه ممکن است تمام یا بخشی از آن از شهروند سلب شود، می‌توان پاسخ روشنی به مسأله‌ای که همواره پیش روی پلیس است، داد. نظر به ضرورت شناخت اجمالی از حقوق شهروندی، به ویژه در کشور ما که متأثر از موازین قانونی و تعالیم اسلامی است، باید این مفهوم با ویژگی مورد اشاره در کشور مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. نظر به اینکه، ارائه ملاک و معیار روشن برای تعیین حقوق شهروندی حمایت‌شده، بدون توجه به مقررات مرتبط امکانپذیر نیست، اشاره به اهم مقرراتی که حقوق شهروندی را مشخص می‌کند، ضرورت می‌یابد.

در نهایت جایگاه آموزش حقوق شهروندی در کارآمدی پلیس با تأکید بر مقررات و موازین تعیین‌کننده این حقوق مورد اشاره قرار می‌گیرد.

## الف. حقوق شهروندی

«شهروند» مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. در مورد اصطلاح «شهروند»، توضیحات مفصلی ارائه می‌شود (۱) که پرداختن به آن از حوصله این نوشته خارج است، اما مسلم اینکه، به صرف جمع شدن افراد در مکانی خاص و تشکیل اجتماع انسانی، شهر و به تبع آن شهروند به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر، اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می‌شود، ولی شرط کافی نیست. افراد زمانی لقب شهروند را به خود می‌گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند. در این صورت، شهر تشکیل شده و شهروند معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین، شهروندان به عنوان اعضاء رسمی شهر و اتباع کشور، حقوق و وظائفی دارند که ضامن حرمت و جایگاه ایشان است.

هرچند حقوق و مسئولیت‌های شهروندان به طور کامل در قوانین پیش‌بینی نمی‌شود، اما مهمترین آنها در قوانین داخلی و حتی مقررات بین‌المللی احصا شده‌اند. به هر حال، جامعه نیازمند مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، امور سیاسی و حتی مسائل خانوادگی بر اساس آن، سامان یابد. حقوق شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن می‌شود. همچنین، نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر را می‌توان به عنوان مهمترین اصولی دانست که منشعب از حقوق اساسی کشور است. (۲) از این‌رو، بخش قابل توجهی از این مفاهیم در قانون اساسی می‌آید.

از تأکید بر شهر در حقوق شهروندی باید فراتر رفت و شایسته است آن را مترادف با حقوق اتباع کشور بدانیم. همچنانکه گاهی، شهر در مفهوم حقوق شهروندی، مترادف «ملت گسترده» گرفته می‌شود (۳)؛ زیرا نمی‌توان این حقوق را در روابط همشهریان یا مسئولین شهرها با مردم بررسی کرد، بلکه باید در روابط هم‌میهنان یا دولتمردان با اتباع، مورد جستجو قرار داد. تجربه شهروندی، همواره مقید به مرز بوده است. ابتدا شهروندی در داخل مرزهای دولت - کشور و سپس شهروندی در چارچوب محدودیتهای دولت - ملت. (۴)

پرسشی که ممکن است در این خصوص مطرح شود این است که آیا حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از حقوق، وظایف و مسئولیت‌های شهروندان کشور در قبال یکدیگر، و دولت یا قوای حاکم و یا تنها شامل حقوق و امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد؟

به نظر می‌رسد حقوق شهروندی در معنای اخص، تنها شامل جنبه مثبت اخیرالذکر باشد، زیرا هرگاه سخن از «حق و حقوق» به میان می‌آید، جنبه سلطه و توان مطالبه مطرح است تا جایی که برخی حقوقدانان مانند دابن<sup>۱</sup> بلژیکی، حق را به معنی تعلق و تسلط تعریف می‌کنند. (۵) (مانند حق مالکیت) با وجود این، در معنای گسترده، می‌توان حقوق شهروندی را به وظائف و مسئولیت‌های ناشی از زندگی اجتماعی نیز سرایت داد. برخی معتقدند از منظر جمهوری‌گرایانه، شهروندی بیشتر متضمن تعهدات است. این نگاه بیشتر مشتمل بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی است. (۶) (مانند حقوق خانواده).

شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی است. این حقوق و تکالیف، اگرچه فردی می‌باشند، اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع، این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی، در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفت‌وگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

### ۱. پیشینه حقوق شهروندی

مفهوم شهروند را می‌توان از حیث دیرینگی به یونان باستان نسبت داد. این مفهوم به کسانی که به دلیل سکونت در دولت‌شهر<sup>۲</sup> دارای حقوق سیاسی بودند، اطلاق می‌گردید. البته،

1. Dabin  
2. police

هرچند دولت شهر واحد سیاسی مستقل بود که شهروندان در کنار بردگان و غیر شهروندان زندگی می‌کردند، اما صرف سکونت افراد در شهر، آنها را از حقوق شهروندی که در واقع، حق مشارکت در اداره عمومی و دخالت در حوزه سیاسی عمومی بود، برخوردار نمی‌نمود. حق بهره‌مندی از این امتیاز، به کسب برخی فضایل خاص در انسان‌ها بر می‌گشت و کسانی که در کسب و تحصیل فضایل موفق نبوده و دارای فضیلت سیاسی نمی‌شدند، از این حق محروم بودند.

اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوریهای سیاسی پرداخت، افلاطون بود. افلاطون در کتاب «جمهوری» که در آن الگوی ابرشهر (مدینه فاضله) را به دست داد، شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می‌دهد. ارسطو نیز به بحث در زمینه شهروندی می‌پردازد و شهروند را کسی می‌داند که در حکمرانی و فرمانبرداری سهیم باشد. او معتقد است شهروند خوب باید بدانند چگونه همچون آزادمرد، حکمرانی و چگونه همانند آزادمرد، فرمانبرداری کند. مطابق این استدلال، فرد با ترک زندگی خصوصی وارد دنیای سیاست می‌شود. (۷)

در دوران کنونی، حمایت از حقوق شهروندی در پی روند جهانی شدن حقوق بشر بود. این دوره، با حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های خاص شروع شد و به تدوین برخی اسناد بین‌المللی درباره برخی اقشار (همچون کارگران) و برخی اقلیت‌های دینی و ملی انجامید. در آخرین مرحله این حمایت‌ها، تأکید بر جامعیت اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی است که در آن اعلامیه‌ها، اسناد و معاهداتی امضا شد و ملل و دول آن را تصویب کردند.

بنابراین، مفهوم شهروند و شهروندی، به گونه قابل ملاحظه‌ای در طول دو هزار و پانصد سال گذشته، دچار نوسان بوده و نقاط عطف آن، آتن سده چهارم، دوره رنسانس و انقلاب فرانسه می‌باشد که موضوع شهروندی به طور برجسته‌ای مورد توجه واقع شد. در سده اخیر، به دلیل تبادل سریع اطلاعات و بالارفتن میزان آگاهی جهانیان نسبت به حقوق خود، توجه به حقوق شهروندی از مرزهای اروپا فراتر رفته و در قوانین داخلی کشورها و نیز منشورها و معاهدات بین‌المللی مانند منشور حقوق سیاسی و مدنی وارد شده است.

### ۱-۱. گستره حقوق شهروندی

با توجه به توضیحات گذشته، حقوق شهروندی در معنای اعم، در برگیرنده حقوق و تکالیف شهروندان در قبال یکدیگر، جامعه و دولت است. حقوق شهروندی به معنی اخص کلمه، شامل دریافتی‌های شخص و تکالیف وی شامل پرداختی‌های وی از این رهگذر است. (۸)

از نمونه‌های دریافتی حقوق شهروندی، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- حفاظت از جان، مال، پیشه، کار، حقوق و امنیت شهروندان که بر عهده پلیس، دستگاه قضایی و نیروهای مسلح و دیگر اجزاء مربوطه دولت است.
- ۲- بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان‌ها.

۳- آموزش: مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.

۴- نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خیابان‌ها.

۵- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط‌زیست.

۶- حفاظت از پس‌اندازها، با بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.

البته، این موارد شامل همه نمونه‌ها نبوده و تنها بیانگر مصادیق مهمی است که می‌تواند گستره موضوع را روشن‌تر کند. از میان نمونه‌های بالا، آموزش اهمیت فراوانی دارد که مشتمل بر دو عرصه است؛ یکی آموزش عمومی و دیگری آموزش حقوق شهروندی.

حق آموزش در معنای اعم، شامل جنبه عمومی آموزش است، (۹) اما آموزش حقوق شهروندی به طور اخص، به شهروندان می‌آموزد چگونه فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. در واقع، مبنای این آموزش‌ها، پرورش شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می‌آموزد چگونه تصمیمات خود را با توجه به حقوق و تکالیفشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند.

تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن‌آوری و سیاسی دوران معاصر، از جمله دل‌مشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می‌آید. (۱۰) در برخی کشورها، مفاهیم شهروندی از دوران

کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. در انگلیس، از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به طور رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها، عموماً موارد ذیل است:

- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی (آشنایی با قوانین و مقررات)
  - بحث و بررسی درباره سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی (آگاهی‌رسانی از طریق رسانه‌های گروهی)
  - فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی
  - مشارکت فعال در برنامه‌های اجتماعی یا گروهی و سهم‌کردن شهروندان در تأمین حقوق شهروندی ایشان (مانند ایجاد آمادگی برای اجرای حقوق شهروندی در مواقع اضطراری که دخالت دولت و پلیس میسر نیست، مانند زلزله)
- یکی از مؤثرترین راهکارهای رفع چالش نیروی پلیس در زمینه حقوق شهروندی را باید در این قسم از آموزش جستجو کرد. اگر نیروی پلیس به اقتضای وظیفه‌ای که بر عهده دارد، افراد زیرمجموعه خود، به ویژه پرسنلی را که ارتباط مستقیم با شهروندان دارند و احتمال نادیده‌گرفتن حقوق شهروندی از جانب ایشان می‌رود، با حقوق شهروندان آگاه کرده و لزوم احترام به این حقوق را به ایشان یادآور شود، کمتر شاهد تضييع حقوق شهروندی از جانب زیرمجموعه خود خواهد بود.
- از سوی دیگر، اگر آموزش حقوق شهروندی به شهروندان توسط نیروی پلیس صورت گیرد و یادآوری شود که حقوق شهروندان تا زمانی مورد حمایت است که به حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان و امنیت اجتماع تعرض نشود، اقدامات پلیس که به ظاهر مخالف حقوق شهروندی و به واقع، در راستای تأمین حقوق شهروندی است، مورد ایراد و انتقاد قرار نخواهد گرفت.
- در بخش پرداختی‌ها نیز حقوق شهروندی یا به تعبیر دقیقتر، وظایف شهروندی، مشتمل بر دو دسته داوطلبانه و اجباری است.

در چارچوب وظایف داوطلبانه، شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت دارند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در دادرسی‌های علنی، هیأت منصفه یا هیأت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین، یافتن مشکلات و راه حل آنها، از نمونه‌های این بخش است. عقیده بر این است که اجتماعات محلی و نهادهای مردم‌محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه‌ساختن آنها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. (۱۱)

وظایف اجباری نیز شامل موارد ذیل است:

- ۱- رأی‌دادن: حق رأی در عین حالی که از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد، اما در واقع، امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رأی نمی‌دهند، صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود. این نیز جزء حقوق شهروندی است که قبل از هر رأی‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید به صورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد.
  - ۲- خدمت نظام وظیفه: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند.
  - ۳- احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی باید از قوانین کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند و به حقوق دیگران احترام بگذارد.
  - ۴- پرداخت مالیات: شهروندان موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی می‌باشند.
- پلیس، ذینفع برخی از پرداخت‌های حقوق شهروندی است. این ذینفعی، گاهی مستقیم (خدمت نظام وظیفه در نیروی انتظامی) و گاهی غیرمستقیم است. مانند ضرورت احترام به حقوق دیگر شهروندان که توسط نیروی پلیس تضمین می‌شود.



## ۱-۲. مقایسه حقوق شهروندی با مفاهیم مشابه

همانند بیشتر واژه‌های متداول در علوم انسانی، اصطلاح «حقوق شهروندی»، دارای نظایری است که با مقایسه آنها، مفهوم مورد بررسی، بهتر شناخته می‌شود.

حقوق شهروندی اغلب در کنار دو مفهوم «حقوق اساسی» و «حقوق بشر» مطرح می‌شود. این سه مفهوم، گاه به عنوان مترادف و جانشین یکدیگر به کار می‌روند، اما در تفکیک مفهومی، مرزهای ظریفی میان آنها وجود دارد. گاهی تصور می‌شود حقوق شهروندی در گذشته ملی بوده و امروزه به دلیل گسترش، رنگ حقوق بشری و بین‌المللی به خود گرفته است (۱۲)؛ حال آنکه حقوق شهروندی دامنه‌ای گسترده‌تر از حقوق بشر دارد.

حقوق شهروندی با حقوق بشر، از حیث منطقی، رابطه عموم و خصوص مطلق دارند، یعنی همه حقوق بشر جزء حقوق شهروندی است، اما برخی از حقوق شهروندی فراتر از حقوق بشر هستند. البته، این رابطه میان حقوق بشر در یک کشور با حقوق شهروندی همان کشور است، زیرا ممکن است موردی یافت شود که در یک کشور حقوق بشر باشد، ولی در کشور دیگر حقوق بشر و حقوق شهروندی تلقی نشود.

احترام به حقوق بشری را هر شخص می‌تواند از دولت و مردم جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بخواهد، اما احترام به حقوق شهروندی را تنها اتباع یک کشور مطالبه می‌کنند. از این حیث، حقوق شهروندی به حقوق اساسی نزدیک می‌شود.

آن بخش از حقوق اشخاص که در قانون اساسی هر کشوری شکل «ملی» به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می‌شود- مانند حق مشارکت سیاسی -، حقوق اساسی نامیده می‌شود.

در دسته‌بندی کلی، می‌توان شهروندی را در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین، مسئولیت‌های دولت در قبال شهروندان و تمایل شهروندان به اجرای حقوق شهروندی بررسی کرد.

### ۱-۳. مبانی حقوق شهروندی

به طور خلاصه، دو مبنا را برای حقوق شهروندی در غرب بیان می‌کنند (۱۳): یکی دیدگاه مبتنی بر جمهوری‌گرایی<sup>۱</sup> و دیگری مبتنی بر لیبرالیسم<sup>۲</sup>.

در دیدگاه لیبرالی، حقوق شهروندی، به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف ملازم یکدیگر است که هر کسی که شهروند جامعه باشد، به طور برابر از آن برخوردار می‌شود؛ یعنی هر شهروند، در عین انتظار امنیت فردی و آزادی و حق رأی، تکلیف خدمت سربازی را هم دارد.

در دیدگاه جمهوری‌گرا، افزون بر این بیان، اندیشه آرمان‌خواهی هم در مفهوم حقوق شهروندی نهفته است و در آن، چهار جزء اصلی وجود دارد:

اول- بی‌گمان، شهروندان از مجموعه‌ای از حقوق برابر برخوردارند.

دوم- همراه با این حقوق، تکالیفی نیز برای شهروندان وجود دارد.

سوم- شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن در جهت اجرای حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است.

چهارم- این تمایل برای اجرای حقوق دیگران، بر اساس توافق همگانی و آرمانی عملی می‌شود.

### ۱-۴. حقوق شهروندی در آموزه‌های اسلام

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های مشترک ادیان الهی، اثبات کرامت انسانی است. در روایات اسلامی نیز آمده است که از دست کسی که در وجود خود احساس کرامت نمی‌کند، مصون نیستید و یا در جای دیگر گفته شده است که کسی که در وجود خود احساس کرامت می‌کند، آن را به گناه نمی‌آلاید. (۱۴)

مفهوم فطرت در اسلام، معنای کاملی را در بیان قدر مشترک انسان‌ها دارد. فطرت در معنای خاص، در برابر طبیعت قرار می‌گیرد. اسلام با پذیرش دو بعد طبیعی و روحانی برای

1. Republican  
2. Liberalism

انسان، اصالت را به روح می‌دهد. فطرت در این معنا، حکایت از روح مجرد و ملکوتی انسان دارد. روح انسان‌ها از دمیده شدن روحی الهی ارزشمند شده است. فطرت، ویژگی‌هایی دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی، ما را به مطلوب می‌رساند:

**یک:** همگانی است. یعنی همه افراد، فارغ از دین و دولت، از آن برخوردار هستند.

**دو:** موهبتی و غیراکتسابی است و همه انسان‌ها از بدو تولد از آن برخوردارند. از این رو، برای اثبات وجودش نیازی به احراز شرایط و مقدمات خاصی نیست.

حق آزادی، تعالی و کمال همگانی است؛ چرا که هماهنگی تشریح و تکوین، طلب می‌کند که انسان‌ها بتوانند به غایت مطلوب از خلقت جهان که همان کمال و تعالی است، دست یابند و این امر میسر نمی‌شود جز با اختیار و آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و حرکت به سوی کمال. با توجه به آنچه گفته شد، منشاء حقوق در اسلام یا فطرت است یا طبیعت. البته، سهم این عناصر در تکوین حقوق بشر به یک اندازه نیست و در تعارض میان این ریشه‌ها، فطرت ارزش بالاتری دارد و هموست که انسان را به هدف غایی‌اش یعنی کمال رهنمون می‌شود.

بنابراین، حقوق شهروندی از جمله دستاوردهای مثبت بشری است که در بسیاری از موارد مورد تأیید دین مبین اسلام نیز می‌باشد. حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و مانند آن، همگی مورد تأیید و تأکید اسلام هستند و حتی آیات صریحی نیز در خصوص آنها وجود دارد که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

- حق حیات

چون از شما پیمان محکم گرفتیم که خون همدیگر را نریزید. (۱۵)

هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویی همه مردم را کشته است. (۱۶)

- حق آزادی (آزادی بیان، دین و سایر آزادیهای مشروع)

با اهل کتاب جز با شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نکنید. (۱۷)

در قبول دین اکراهی نیست، راه درست از راه انحرافی روشن شده است. (۱۸)

## - حق امنیت

ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبانش انس (اجازه) ندارید، وارد نشوید و چون رخصت یافتید و داخل شدید، نخست به اهل آن خانه تحیت و سلام کنید که این برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید تا اجازه یابید و آنگاه درآیید و چون به خانه‌ای درآمیدید و گفتند باز گردید، زود باز گردید که این برای تنزیه شما بهتر است و خداوند به هر چه می‌کنید، داناست. (۱۹)

## - حق برابری و عدم تبعیض

ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به صورت جماعت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا با یکدیگر آشنا شوید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و آگاه است. (۲۰)

## - حق آموزش

برابر آموزه‌های دینی، نه تنها آموزش حق بشر است، بلکه حکمت ارسال رسل و تشریح شرایع، تعلیم و آموزش انسان‌ها عنوان شده است. همچنانکه در قرآن می‌خوانیم: «همانگونه رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند، و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه نمی‌دانستید، به شما یاد دهد» (۱-۲۰).

## ۵-۱. حقوق شهروندی در ایران

ایران باستان را پایه‌گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته‌اند. منشور صادرشده از سوی کورش، پادشاه هخامنشی، بسیاری مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. منع برده‌داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل‌کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و مانند آن، در اسناد به دست آمده قابل مشاهده است و حتی برخی بر آنند که این منشور، همان نوشته‌ای است که امروزه «اعلامیه حقوق بشر» خوانند. (۲۱)

در تاریخ معاصر ایران، چندان نمی‌توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران، چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نمی‌نموده است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم بود.

در ادبیات فارسی نیز چندان نمی‌توان ریشه‌های حقوق انسان را جز در ادبیاتی پراکنده و نامدون نظیر «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» یافت و چون ضمانت اجرای چندانی نداشته است، به صورت اندرزهای اخلاقی و حکمت مانده است.

یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر صادر شد که در آن بر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است. (۲۲)

عدم رعایت این قوانین در سال‌های حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و در تمام شئون حقوق مردم نفی و مورد انکار قرار گرفت. وجود شکنجه‌گاه‌های مخوف و دادگاه‌های بی‌دادگر، از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی در این دوران است. خاطرات مبارزان پیش از انقلاب گواه این مدعا است.

با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه‌های عدل و روند منصفانه دادرسی‌ها، از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است.

حضرت امام خمینی (ره)، در تاریخ ۲۴/۹/۱۳۶۱، یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت‌ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی در خصوص حقوق شهروندی صادر کردند و نشان دادند که این حقوق، بخشی از گفتمان جمهوری اسلامی است نه در تعارض با آن.

در ماده اول این فرمان به تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آنها اشاره شده است. در ماده دوم و سوم، رسیدگی به صلاحیت شخصی قضات مورد تأکید است. به موجب ماده چهارم «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف نماید هرچند مدت توقیف کم باشد، توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.»

وفق بند پنجم: «هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی».

در بند ششم نیز به حرمت خانه و محل کار شخصی اشاره شده است. فرمان حضرت امام در خصوص لغو گزینش‌ها در همان سال نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد.

در عین حال، استفاده از واژه حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی، بعد جامع‌تری یافت. در سال ۱۳۸۳، قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها گردید. رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود.

### ب. چالش‌های پلیس با حقوق شهروندی

قسمت عمده چالش‌های پلیس با شهروندان، در ایفای نقش پلیس به عنوان ضابط قضایی بروز می‌کند. حقوق شهروندی که به عنوان متهم در اختیار نیروی انتظامی یا پلیس قرار می‌گیرد، محل چالش است. از یک سو، متهم و حتی مجرم، دارای حقوق ویژه ای است که برآمده از حقوق شهروندی است. از سوی دیگر، متهم ممکن است مجرم نباشد و نمی‌توان به صرف اتهام شخص، حقوق شهروندی وی را نادیده گرفت. برای شناسایی و صیانت از حقوق شهروندی متهم که باید از سوی پلیس مورد ملاحظه قرار گیرد، می‌بایست به قوانین لازم‌الاجرائی که در این خصوص تصویب شده است، مراجعه کرد.

با این توضیح، نگاهی به حقوق متهم در نوشتارهای قانونی، می‌تواند مرز حقوق شهروندی را در نظام حقوقی کشورمان نشان دهد.

## ۱. بایسته‌های آموزشی حقوق شهروندی برای پلیس

آموزش حقوق شهروندی برای پلیس، در بسیاری از عرصه‌ها ضروری است، همچنانکه برخی از این موارد در برنامه‌های آموزشی نیروی انتظامی قرار دارد. با توجه به اینکه، نکته چالش‌برانگیز، چگونگی برخورد با متهمین است، در اینجا با تأکید بر حقوق متهم، نکات آموزشی حقوق شهروندی که در مقررات منعکس است، به اختصار بیان می‌شود. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد بیگناه فرض شود، مگر اینکه مجرمیت (مقصر بودن) او بر اساس قانون محرز شود. (۲۳) در اسناد بین‌المللی نیز به این حق شهروندی اشاره شده است. (۲۴)

هر متهمی حق دارد از مأموری که قصد جلب او را دارد، بخواهد مدارک شناسایی خود و نیز دستور قضایی متضمن دستگیری‌اش را به او نشان دهد. متهم حق دارد در مقابل پرسش‌های دادگاه با مرجع تعقیب یا تحقیق، سکوت اختیار کند. (۲۵).

هر متهمی حق دارد از مأموران بازجو بخواهد در اولین فرصت به خانواده وی اطلاع دهند تا از سرنوشت او مطلع شوند و در صورت لزوم، برای آزادی او وثیقه یا کفیل آماده کنند. (۲۶) متهم حق دارد ظرف ۱۰ روز به قرار بازداشت خود اعتراض کند تا مرجع بالاتر بلافاصله و در وقت فوق‌العاده به آن رسیدگی نماید. این حق طبق قانون باید به متهم تفهیم شود. (۲۷) چنانچه قرار التزام یا کفالت یا وثیقه برای متهم صادر گردید، او حق دارد با التزام یا معرفی کفیل متمکن و یا تودیع وثیقه، حسب مورد، بلافاصله آزاد شود. (۲۸).

هر متهمی حق دارد بداند هیچ‌یک از ضابطین دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی، مجاز نیستند وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش نمایند. (۲۹) لازم است متهم بداند هیچ‌یک از ضابطان دادگستری حق بازداشت او را ندارند، مگر در جرایم مشهود و در هر حال، باید در نخستین فرصت (حداکثر ۲۴ ساعت) مراتب را به اطلاع مقام قضایی برسانند. (۳۰)

متهم حق دارد حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، از اتهام و دلایل آن مطلع شود. مرجع قضایی مکلف است ظرف مهلت مذکور آن را به وی تفهیم کند. (۳۱)

متهم حق دارد پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، پرونده اتهامی خود را مطالعه و از تمامی محتویات آن مطلع شود. (۳۲)

هر متهمی حق دارد از قاضی دادسرا یا دادگاه بپرسد و بداند به چه اتهامی و به استناد چه دلایلی احضار یا جلب شده است. (۳۳)

هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست، خودداری کند. (۳۴)

هر متهمی حق دارد از دادگاه بخواهد به طور علنی به اتهام او رسیدگی کند، مگر در مواردی که قانون خلاف آن را تصریح نماید. (۳۵)

هر متهمی حق دارد فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه و تدارک دفاع و انتخاب وکیل و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد. (۳۶)

هر متهمی که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق دارد جبران خسارت خود را از مراجع ذی ربط بخواهد. (۳۷)

متهم حق دارد در حدود قانون به حکم محکومیت خود اعتراض و از دادگاه بالاتر تقاضای تجدید نظر نماید. (۳۸)

متهم حق دارد از دادسرا یا دادگاه بخواهد پرسش های او هم از شهود شاکی مطرح گردد؛ بلکه بتواند بیگناهی خود را ثابت کند.

هر متهم نابالغ و نوجوان این حق را دارد که در دادگاه ویژه ای به اتهام او رسیدگی و در صورت بازداشت یا محکومیت، در محلی جدا از متهمان یا محکومان بزرگسال نگهداری شود. (۳۹)

متهم حق دارد در صورت صدور رأی برائت، تعلیق مجازات او، قرار موقوفی یا منع تعقیب، بلافاصله رفع اثر از قرار تأمین کیفری (وثیقه) و نیز در صورت بازداشت، آزادی بی قید و شرط خود را از مرجع قضایی رسیدگی کننده، بخواهد. (۴۰)

در راستای یادآوری تکالیف پلیس در رعایت حقوق شهروندی، احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۴۱) نیز به نکات ذیل می توان اشاره کرد:



ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادرها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱ - کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۴ - با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷ - بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸ - بازرسی‌ها و معاینات محلی، برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹ - هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر، ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده، بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰ - تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱ - پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲ - پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القا ایجاد نگردد.

۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴ - از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها، نسبت به اموال و اشیای تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید....».

با وجود تصویب قانون فوق‌الذکر، بنابر پیش‌بینی نشدن ضمانت اجرای تخلف از مفاد آن، در پیش‌نویس قانون آئین دادرسی کیفری که برای تصویب در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد، ضمانت اجرای تخلف از قانون یادشده به شرح ذیل آمده است:

**ماده ۷-۱-۱-۱:** «در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از کشف جرم،

تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای آراء، رعایت حقوق شهروندی

مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و سایر

قوانین، از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد شده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

در صورت تصویب این ماده، ضمانت اجرای تخلف از « قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» دامنگیر متخلف خواهد شد.

البته، بر اساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، که هم‌اکنون نیز قدرت اجرایی دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» (۴۲)

## ۲. آموزش راهکار برون‌رفت از چالش

بنا بر آنچه گذشت، در حقوق کنونی ایران، مقرراتی برای صیانت از حقوق شهروندی وجود دارد که هرچند نیازمند پیش‌بینی جزئیات بیشتری است، اما در حد خود، قابل قبول است.

با این بیان به پاسخ پرسشی که در مقدمه آمد می‌پردازیم. گفتیم؛ بر اساس چه ملاک و معیاری حقوق شهروندی حمایت‌شده را باید تعیین کرد و سلب این حقوق چگونه است؟ پلیس در انجام وظائف خود چگونه عمل کند تا به دو مصلحت متقابل یعنی تضمین حقوق شهروندان و ممانعت متعرضین از تعرض به حقوق شهروندان دست یابد؟ برای ارائه معیار و ملاک به پلیس برای برون‌رفت از چالش پیش روی خود در انجام وظایف، بدون اینکه در مظان اتهام تضییع حقوق شهروندی قرار گیرد، باید به قوانین و مقررات مراجعه کرد.

به دیگر سخن، مهمترین معیار تعیین و تشخیص حقوق شهروندی، قوانین و مقررات اعم از قوانین اساسی و عادی و حتی مصوبات مراجع ذیصلاح برای تعیین حقوق حمایت شده شهروندی است.

البته، ممکن است به مصوبات بیرونی مانند منشورها و معاهدات حقوق بشری نیز اشاره شود، اما اگر معاهده‌ای توسط دولت ایران پذیرفته شده است، به این دلیل که در حکم قوانین کشور است، مجرا خواهد بود (۴۳) والا توسل به این اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی، نه تنها معیاری برای تعیین حقوق شهروندی نیست، بکه موجب بروز تشتت خواهد شد. بنابراین، قوانین و مقررات، محدوده حقوق شهروندی را مشخص کرده و هر جا قانون اجازه تعرض را به پلیس ندهد، اقدام این نیرو ممکن است تعرض به حقوق شهروندی قلمداد شود.

نکته دیگر که به پرسش دوم برمی‌گردد، اینکه در سیاست‌گذاری پلیس باید جایگاه آموزش حقوق شهروندی به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

به این مفهوم که شهروندان و نیروی پلیس باید از مقررات مربوط به حقوق شهروندان آگاه شوند و این امر میسر نمی‌شود مگر در صورتی که آموزش نسبتاً کاملی از سوی مسئولین امر به مردم و نیروی پلیس داده شود.

مردم از حقوق و تکالیف شهروندی خود آگاه شده از آن تعدی نمایند. پلیس نیز بداند که مرز حقوق حمایت شده شهروندان کدام است تا در نتیجه، حریم حقوق شهروندان همچنان ایمن بماند.

## نتیجه‌گیری

برقراری امنیت از مهمترین وظائف پلیس و در راستای تکلیف دولت در قبال شهروندان مبنی بر تأمین حقوق شهروندی است و کارآمدی پلیس زمانی محقق می‌شود که این هدف تحقق یابد. پلیس برای نیل به این هدف و انجام دیگر وظایف خود، اقداماتی انجام می‌دهد که گاهی تعرض به حقوق شهروندی تلقی می‌شود.

برای برون‌رفت از چالش پیش‌گفته، انجام برخی اقدامات و تدابیر نظری و عملی ضرورت دارد.

یکی از حقوق شهروندی، آموزش است که آن را به آموزش عمومی و آموزش حقوق شهروندی تقسیم کردیم. اهتمام به آموزش حقوق شهروندی برای نیروی پلیس و شهروندان در پیش‌گیری یا کاهش برداشتهای نادرست مؤثر است.

از یک سو، ارائه پیشینه و مبانی حقوق شهروندی و محدودیت‌های امنیتی آن که ضرورت زندگی اجتماعی است، شهروندان را بر حد و مرز حقوقشان واقف می‌سازد و برای ایشان آمادگی پذیرش برخورد نیروی پلیس در صورت عدول از مرزهای مورد حمایت را به وجود خواهد آورد.

از سوی دیگر، پلیس نیز با آموزش لازم درمی‌یابد که شهروند، حقوقی دارد که در حالت عادی یا در فرض طرح اتهام و حتی محکومیت به ارتکاب جرم، باز هم این حقوق توسط قانون‌گذار مورد حمایت قرار گرفته است.

نهادهایی که تأمین امنیت می‌کنند، از جمله پلیس، باید در فعالیت‌های خود حدود صلاحیت‌ها را رعایت کنند. بنا به نظری، امروزه امنیت صرفاً می‌تواند به وسیله روش‌های جدید اجتماعی که بر پایه گفت‌وگو و قرارداد مبتنی است، تأمین شود. (۴۴)

البته، گستره حقوق شهروندی به امنیت شهروندان خلاصه نمی‌شود. آزادی‌ها و دیگر حقوقی که ضروری زندگی یک شهروند است را نیز در بر می‌گیرد. با وجود این، وظیفه پلیس در عرصه تأمین امنیت، نمود بیشتری دارد.

از مطالب مطرح‌شده، در می‌یابیم که میان دو نظریه لیبرال و جمهوری‌گرا که اولی به تأمین حقوق شهروندی به معنی فردگرایانه و دومی به این مهم در معنای جامعه‌گرایانه تمایل دارد، نظریه اخیر ترجیح دارد، زیرا در این نظریه است که هر شهروند علاوه بر احساس داشتن حقوق شهروندی و تکالیف محوله، متمایل به گام برداشتن فعال در جهت دفاع از حقوق دیگر شهروندان بوده، نقش فعالی در صحنه‌های رسمی ایفا می‌کند.

اوج فعال‌بودن در دفاع از حقوق شهروندی، در آموزش حقوق شهروندی متجلی می‌شود. هرچند پلیس، مرجع آموزشی نیست، اما آموزش حقوق شهروندی به نیروی پلیس و حتی

اتخاذ تدابیری برای بالابردن آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی، خارج از رسالت نیروی پلیس نبوده و حتی در راستای کارآمدی اوست.

در عین حال، محوری که آموزش‌های مورد اشاره باید حول آن باشد، قانون است، زیرا از یک سو، نیروی پلیس مرجع آموزش صرف نیست که بخواهد مبانی نظری حقوق شهروندی را به مردم یا نیروهای خودآموزش دهد و از سوی دیگر، پلیس به عنوان ضابط قضایی، پاسبان اجرای قانون است. اگر اجزاء این نیرو با قوانین و مقررات آشنایی ناقص داشته باشند، چگونه می‌توان کارآمدی آن را در انجام وظیفه خطیر پاسداری از قانون انتظار داشت؟

## یادداشت‌ها

۱. برای دیدن بررسی مفصل اصطلاح «شهروند» ر.ک. دیوید میلر، «حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز»، *فصلنامه راهبرد*، بهار ۱۳۸۳ ش. ۲۳. ص. ۱۲۶ به بعد.
۲. شکر، نادر، *مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»*، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶. ص ۸۰.
۳. دیوید میلر، پیشین، ۱۳۰.
۴. همان، ص. ۱۳۴.
۵. محمد حسین ساکت، *حقوق‌شناسی*، نشر نخست، ۱۳۷۱. ص. ۴۵. حقوقدانان ایران نیز حق را به معنی اختیار و تسلط می‌دانند. ر.ک. ناصر کاتوزیان، *مقدمه علم حقوق*، چ. دوازدهم ص ۲۶۸.
۶. «حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز»، پیشین، ص. ۱۲۸.
۷. افلاطون؛ *جمهوریت*، ترجمه فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۳۲.  
۸. در یکی از خطبه‌های امیر مومنان علی(ع)، اشاره زیبا به حقوق و تکالیف حاکم و مردم مشهود است:  
*«مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی که از بیت‌المال دارید بگذارم، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکار، حق خیرخواهی ادا کنید. چون شما را بخوانم بیایید و چون فرمان دهم بپذیرید و از عهده برآیید.»* *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، نشر قلم ۱۳۶۸، خطبه ۳۴. ص. ۳۵.
۹. این حق در آموزه‌های دینی مانند آنچه در خطبه ۳۴ امیر المومنین (ع) گذشت و نیز بند ۳ از اصل ۳ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است.
۱۰. زهرانزاد، بهرام، *مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»*. پیشین، ص ۷۲.
۱۱. همان، ص ۶۰.
۱۲. کلی کیت اس. پیس، «حقوق بشر و سازمانهای بین‌المللی»، *فصلنامه راهبرد*، بهار ۱۳۸۳ ش. ۲۳. ص ۷۹.
۱۳. «حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز»، پیشین، ص. ۱۳۴.
۱۴. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «من کرمتم علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه» غررالحکم، ص ۶۷۷.

۱۵. و اذ اخذنا میثاقکم لاتسفکون دماءکم و لا تخرجون ... (بقره ۸۴)
۱۶. مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (مائده ۳۲)
۱۷. و لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن (عنکبوت ۴۶)
۱۸. لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشده من الغی ... (بقره ۲۵۶)
۱۹. یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم، ... (نور ۲۸ - ۲۷)
۲۰. یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم، .. (حجرات ۱۳)
- ۲۰-۲-۱. کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرکبکم و یعلمکم الكتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون (سوره بقره، آیه ۱۵۱)
۲۱. جنیدی، فریدون، *حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان*، انتشارات نشر، ۱۳۷۸، ص. ۳۵.
۲۲. «در این وقت از قرار شکایاتی که مقرون سمع همایونی افتاد، حکام ولایات مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می‌شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده، به شکنجه می‌گذارده‌اند. چنین حرکتی منافی مروت و احکام شرع و خلاف رأی اقدس شهریاری است. لهذا قدغن می‌فرمائیم که به هیچ وجه متهمین را به شکنجه نگذارند. پس از آنکه تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید، به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرفی می‌گردند. حکام ولایات مزبور به هیچ وجه کسی را به شکنجه آسیب نرسانند و مراقب باشند اگر احدی مرتکب چنین عملی گردد، مورد مؤاخذه و سیاست خواهد شد. می‌باید حسب‌المقرر معمول داشته تخلف و تجاوز از مدلول حکم قضا شمول نمایند. (۲۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۶)»
۲۳. اصل ۳۷ قانون اساسی
۲۴. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۵. مواد ۱۲۹ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری
۲۶. بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۲۷. ماده ۳۳ و تبصره ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و شق ۲ بند (ن) ماده ۳ قانون احیای دادرسی، مصوب ۱۳۸۱
۲۸. تبصره ماده ۱۳ و ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری
۲۹. اصل ۲۲ قانون اساسی، ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری
۳۰. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری
۳۱. اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری
۳۲. ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری
۳۳. ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری



۳۴. بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۳۵. ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری
۳۶. مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۳۷. بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی و به مناط اصل ۱۷۱ قانون اساسی
۳۸. شق ۵ بند (ه) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۲۳۲ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری
۳۹. بند ب ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۱۹ و تبصره ماه ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری
۴۰. مواد ۱۴۴ و ۲۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری
۴۱. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳، ۲، ۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
۴۲. اصلاحی مطابق قانون اصلاح ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۱.
۴۳. برابر ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است».
۴۴. ژان کلیزال، «امنیت، پلیس و جرم»، ترجمه علی اوسط جاویدزاده، *تشریح / امنیت*، ۱۳۷۶ش. ص. ۴۰.